



کاسبی فیلمنامه «غلام اسحاق خان» را برای سیما فیلم نوشت

فیلمنامه فیلم تلویزیونی «غلام اسحاق خان» توسط محمد کاسبی نوشته شد و در انتظار دریافت کد تولید در مرکز سیما فیلم است. قصه این فیلمنامه درباره غلام اسحاق خان، رئیس جمهور پاکستان است که در تشییع پیکر امام خمینی (ره) حضور پیدا کرده بود. او بر اثر هجوم جمعیت در مصلی از دید محافظانش دور ماند و برای مدتی گم شد. این فیلمنامه در ارتباط با گم شدن او و ماجراهایی است که پیش می آید.

کاسبی که از او قاصد و شننا در زمستان را در سالهای ۶۶ و ۶۸ به یاد داریم، اکنون بعد از مدت‌ها به نویسندگی روی آورده است. «غلام اسحاق خان» ترکیبی از صحنه‌های مستند تشییع امام خمینی (ره) است که در فضای بیرونی آن قصه هم روایت می‌شود.

فیلمنامه «بیداری رویاها» بازنویسی نهایی شد
 محمدعلی باشه‌آهنگر از بازنویسی نهایی فیلمنامه «بیداری رویاها» توسط محمدرضا گوهری خبر داد.

آهنگر ضمن اعلام این خبر گفت: «این فیلمنامه که آن را به صورت مشترک با محمدرضا گوهری نوشته‌ایم، در ژانر دفاع مقدس و با رویکردی اجتماعی است و زمان وقوع داستان در یکی دو سال اخیر است..»

فرزند خاک نیز به نوعی الگوی ما در نوشتن فیلمنامه بوده، منتها اتفاقی که در «بیداری رویاها» می‌افتد، از فرزند خاک تکان‌دهنده‌تر است و تماشاگر را به فضایی شگفت‌انگیز که متأثر از روابط اجتماعی ناشی از جنگ است، می‌برد.»

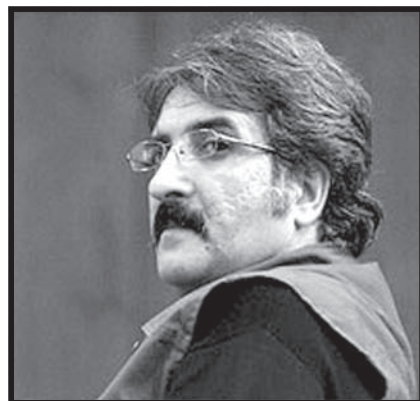
جهانگیر الماسی و نگارش فیلمنامه‌ای از زندگی حضرت محمد(ص)

جهانگیر الماسی دو فیلمنامه «شاید سبز» و «گل آبی» را به نگارش در آورده و فیلمنامه‌ای نیز با عنوان «من یک انسانم» براساس زندگی حضرت محمد(ص) نوشته‌است.

الماسی با اشاره به فیلمنامه‌هایی که نوشته است، گفت: «فیلمنامه‌ای در مورد حضرت رسول (ص) نوشتیم و ارائه کردم که گم شد و نسخه دیگری هم از آن ندارم.

دو فیلمنامه آماده دیگر هم داریم که یکی با عنوان موقت «شاید سبز» به موضوع فرهنگ اجتماعی مردم ایران پرداخته که از گنجینه‌های معارف ایرانی و اسلامی وام گرفته‌ام و جوامع‌الحکایات نوشته محمد عوفی در زمره آن است.»

وی درباره فیلمنامه دیگرش با نام موقت «گل آبی» گفت: «این فیلمنامه برداشت آزادی از یکی از قصه‌های هارولد پینتر است که اختلافات و روابط یک زن و شوهر بازیگر را روایت می‌کند که مدام در جدال هستند، اما در زمان خود باید به هم نزدیک شوند و این روند روی آنها موقعیت جدیدی را می‌گشاید.»



کیفر علیرضا نادری و پایان نگارش فیلمنامه

علیرضا نادری پس از انجام تغییراتی در فیلمنامه سینمایی «کیفر» که قرار است توسط حسن فتحی کارگردانی شود، نگارش آن را به پایان رساند.

«کیفر» یک ملودرام اجتماعی است که قصه‌ای شهری دارد و داستان آن در شهر تهران می‌گذرد.

حسن فتحی قرار است فیلم سینمایی «کیفر» را در مرداد ماه به تهیه‌کنندگی سعید سعدی جلوی دوربین برد.

او درباره فیلمنامه سریال تلویزیونی «رازی» گفت: «فیلمنامه زکریای رازی (دربوش مهرجویی) یک کار بسیار جدی است که آن را در دست نگارش دارم، ولی بنا به دلایلی فعلاً بنا به تغییرات مسئولیت سیما فیلم، دست نگه داشته‌ایم.»

پیمان عباسی و ترجمه کتاب «چگونه فیلمنامه بفروش بنویسیم»

پیمان عباسی فیلمنامه‌نویس این روزها مشغول ترجمه کتاب چگونه یک فیلمنامه بفروش بنویسیم است.

پیمان عباسی در این باره گفت: «این کتاب را جیم پتر نوشته است و جزو پر فروش‌ترین کتاب‌های آمریکا در سال ۲۰۰۸ است.

این کتاب به شکلی بسیار تخصصی شیوه کمدی‌نویسی مدرن را تشریح کرده است و به آنالیز سبک و سیاق کمدی از وودی آلن تا برادران کوئن پرداخته است و در دانشگاه‌های معتبر آمریکا تدریس می‌شود.

ما کتاب‌های متعددی در زمینه فیلمنامه‌نویسی داریم، ولی خلأ کتاب‌هایی در زمینه کمدی‌نویسی را احساس می‌کردیم. این کتاب در هفت فصل نوشته شده است و به نظرم اتفاقی بی نظیر در عرصه تئوری سینماست.»

این کتاب نخستین بار در بخش فراسو در ماهنامه فیلم‌نگار معرفی شده و عباسی از همین طریق کتاب را یافته است. او فیلمنامه‌هایی چون حرکت اول، توفیق اجباری، زن بدلی و ساعت ۲۵ را نوشته است.

قاسم زاده اصل و سه فیلمنامه آماده

حجت قاسم‌زاده اصل فیلمنامه سه تله‌فیلم را برای تولید در سیما فیلم در دست دارد.

قاسم زاده گفت: «سه فیلمنامه تلویزیونی آماده برای سیما فیلم دارم. یکی به نام «شکسته» که خودم آن را نوشته‌ام و مضمونی اجتماعی معمایی دارد و در مورد مردی است که به خانه‌اش می‌رود و می‌بیند زنش در خانه نیست. فیلمنامه «عنصر نامطلوب» را نوشته‌ام که مضمونی سیاسی دارد و تله‌فیلم «دلبنده» به نویسندگی رویا غفاری را نیز بازنویسی کرده‌ام که مضمونی اجتماعی خانوادگی دارد و درباره خانواده‌ای است که در آستانه مهاجرت، با بیماری فرزندشان مواجه می‌شوند.»

قاسم‌زاده تأکید کرد که از بین این سه فیلمنامه،

کارگردانی تلفیلم «شکسته» برای او در اولویت است

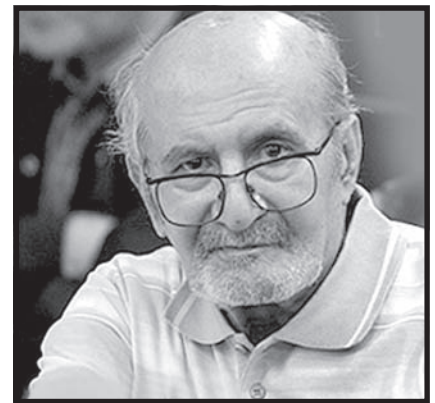
فیلمنامه مستند «جمهوری» آماده شد

مستند «جمهوری» به کارگردانی محمد احمدی با پایان نگارش فیلمنامه وارد مرحله پیش تولید می‌شود.

محمد احمدی گفت: «شهین ماکویی تحقیق و پژوهش این فیلمنامه را برعهده داشته است و نگارش فیلمنامه توسط فرهاد توحیدی انجام شده و قرار است به زودی پیش تولید را شروع کنیم. این فیلم مستند به بررسی تاریخی اتفاقاتی که در خیابان جمهوری رخ داده، می‌پردازد و از زمان مشروطه تا انقلاب اسلامی را محور قرار می‌دهد. در بخش‌هایی از آرشیوهای موجود بهره می‌برد و بخش‌هایی نیز بازسازی خواهد شد.

با توجه به آن که این اثر مستند-داستانی است، برای بخش داستانی‌اش نیز تدابیری اندیشیده‌ایم و برای انتخاب بازیگران آن رایزنی‌هایی صورت گرفته است.»

این مستند که توسط خود محمد احمدی فیلم‌برداری می‌شود، به سفارش سیما فیلم و تهیه‌کنندگی حسنعلی اربابی ساخته خواهد شد.



شاپور قریب و فیلمنامه «فندق»

شاپور قریب گفت: «یک فیلمنامه برای بچه‌ها دارم که اگر آن را بسازم، دیگر کاری در سینما ندارم.

این فیلمنامه با نام «فندق» برای کودکان و نوجوانان است که به زندگی و بازی بچه‌ها می‌پردازد، اما چیزی باعث می‌شود که اینها روبه‌روی هم بایستند و در واقع در حال وهوای فیلم هفت تیرهای چوبی است.»

به گفته بسیاری از سینماگران هنوز هم هفت تیرهای چوبی جزو شاخص‌ترین آثار کودکان و نوجوانان است که در زمان ساختش جوایز بین‌المللی زیادی هم به دست آورد.

سه ماه تعطیلی، حسنی و کفش‌های جیرجیرک دار من از دیگر ساخته‌های قریب در حوزه کودکان و نوجوانان است.

«مرئی‌های برای یک دماغ عمل شده» و پنج فیلمنامه دانشجویی دیگر در مرکز سیما فیلم

نظری، مدیر تولید دانشجویی دانشکده صداوسیما گفت: «طی سه ماهه گذشته شش طرح فیلمنامه دانشجویان دانشکده صداوسیما در مرکز سیما فیلم به تصویب رسید که از این مجموعه سه طرح کد تولید دریافت کرد و هم‌اکنون مراحل پیش تولید خود را می‌گذراند.

این طرح‌ها عبارت‌اند از: «۳۰ سال سه برادر ۳۰ روز» نوشته امیر امیری، «راه رفتن روی خطوط» نوشته علی حدادی، «چند پله بالاتر» نوشته احسان سلطانیان، «شهر تاریکی» نوشته فرهاد برابر، «مرئی‌های برای یک دماغ عمل شده» نوشته مهدی حمزه و «زمزمه‌های گهواره» نوشته آرش گودرزی. از این مجموعه، طرح‌های امیر امیری، احسان سلطانیان و آرش گودرزی کد تولید دریافت کرده‌اند.

برگزاری کارگاه‌های حرفه‌ای فیلمنامه‌نویسی برای دانشجویان دانشکده صداوسیما با همکاری سیما فیلم از دیگر فعالیت‌های مشترک این دانشکده با مرکز سیما فیلم است که با هدف بهره‌گیری از نیروهای دانش‌آموخته جوان، در عرصه فعالیت‌های حرفه‌ای تلویزیون برگزار می‌شود.

در این کارگاه‌ها فیلمنامه‌نویسانی چون علی مودنی، محسن دامادی، محمدرضا گوهری و محمدهادی کریمی تدریس می‌کنند که تاکنون ۵۰ نفر از دانشجویان رشته تولید این کارگاه‌ها را طی کرده‌اند.»

جشنواره فیلمنامه و فیلم کوتاه اصلاح

الگوی مصرف برگزار می‌شود

به مناسبت نام‌گذاری سال ۱۳۸۸ از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال اصلاح الگوی مصرف، مؤسسه فرهنگی هنری شهید آوینی، در نظر دارد جشنواره‌ای را با این موضوع در دو بخش فیلمنامه و فیلم کوتاه برگزار کند.

طبق اعلام برگزارکنندگان؛ ترویج و معرفی الگوی مصرف درست از طریق ایجاد زمینه‌های فرهنگی مناسب در سطوح مختلف اجتماع و همچنین بطن خانواده، هدف اصلی این جشنواره است.

آموزش، انرژی، مواد غذایی، ارتباطات، رفتارها و عادت‌های اجتماعی، بهره‌وری از عمر، تربیت، فرهنگ انتظار، محیط زیست، فرهنگ و هنر محورهای جشنواره فیلمنامه و فیلم کوتاه اصلاح الگوی مصرف را تشکیل می‌دهند.

این جشنواره ۱۵ آذرماه هم‌زمان با عید سعید غدیرخیم برگزار می‌شود و آدرس دبیرخانه، تهران، خردمند جنوبی، شماره ۱۱ طبقه چهارم است.



توضیح

در شماره گذشته متن سخنان همکار و همراه همیشه فیلم‌نگار، جابر قاسم‌علی در متن گزارش سالگرد فیلم‌نگار و جوایز مسابقه فیلمنامه‌نویسی به‌طور ناقص منعکس شد؛ جابر عزیز پژوهش می‌خواهیم و متن کامل آن را به چاپ می‌رسانیم.

مجله کلاس دومی

خدا را سپاس می‌گزاریم که کلاس اول را با موفقیت پشت سر گذاشتیم و به کلاس دوم آمدیم. فیلم‌نگار هشت ساله شد و هشت ساله یعنی کلاس دوم. یعنی حالا حالاها تا کلاس پنجم؛ سیکل اول، کلاس سوم راهنمایی؛ سیکل دوم و دوره متوسطه؛ دیپلم و دانشگاه و لیسانس و دکترا راه داریم. درست مثل فیلمنامه‌نویسی کشور خودمان که گمان می‌کنم دوره متوسطه خود را می‌گذرانند، اما خب! آن هم تا دکترا خیلی کار دارد... خیلی سال پیش - شاید دوروبر سال‌های ۷۶ و یا ۷۷ - سال‌هایی بود که اندیشه چاپ یک مجله راجع به فیلمنامه را در سر داشتم. درباره این ایده با دوستانم دکتر امید روحانی گپ و گفتی کردم، با حوزه و فارابی هم صحبت کردم، اما واقعیت این است که کسی جدی نگرفت. اما از ایده خیلی خوششان آمد، حتی وقتی با بنیاد فارابی آن زمان صحبت کردم، یکی از دوستانم گفت ما خودمان هم قصد انجام یک چنین کاری را داشتیم. به هر تقدیر کسی جدی نگرفت و این پروژه ماند تا این که یکروز دوست عزیزمان حمید گرشاسبی زنگ زد و از من دعوت کرد که: بیا فیلم‌نگار. و من آنجا برای اولین بار آقای تابش را دیدم. من دو سال در فیلم‌نگار بودم و الان شش سال است که نیستیم. مجله فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشت. عده زیادی آمدند، رفتند، مجله دادگاهی شد، یکی قهر کرد، یکی آشتی کرد، اما خدا را شکر که این کشتی به راهش ادامه داد و این به نظرم به حضور کسی برمی‌گردد به نام آقای نصرالله تابش. که با درایت و سیاست و کیاست توانست این کشتی را از گرداب‌های بسیاری رد کند. جای سپاس دارد. اگر چه من به شخصه بیشتر مدیریت ایشان را به سرمقاله‌هایشان ترجیح می‌دهم. امروز جای خالی خیلی‌ها را من حس می‌کنم. جای مهرداد فرید، محمدرضا باباگلی، مجید مافی. جای این دوستان و همه نویسندگان و مترجمانی را که آمدند و نوشتند و رفتند خالی حس می‌کنم. هر که بود و نیست و هر که هست یادش گرامی.